

فصلنامه مطالعات سیاسی

سال دهم، شماره ۳۷، پاییز ۱۳۹۶

صفحات: ۱۹-۳۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۱۱؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۶/۲۴

برنامه هسته‌ای ایران و تحریم نفتی اتحادیه اروپا؛ علل و نتایج

شمسی کاظمی* / دکتر احمد ساعی**

چکیده

هدف نوشتار حاضر تبیین و شناخت آثار تحریم نفتی جمهوری اسلامی ایران توسط اتحادیه اروپا و تاثیرات این تحریم‌ها بر بر اقتصاد سیاسی این اتحادیه است که با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و تکیه بر منابع اسنادی- کتابخانه‌ای و نیز فرا تحلیل برخی آثار موجود انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که اولاً اقتصاد سیاسی به عنوان قدرتمندترین مکانیزم تجزیه و تحلیل اقتصادی و عناصر کلیدی سیاسی مرتبط با آن در امور کشورها، سازمان‌ها و فعالیت‌های حقیقی و یا حقوقی از جمله اتحادیه اروپا بشمار می‌آید. دوم اینکه سیاست‌های هماهنگ اتحادیه اروپا با آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ایران و تلاش این اتحادیه برای صدور قطعنامه‌های تحریمی علیه ایران و اتخاذ تحریم‌های یکجانبه آن برضد ایران، بخصوص تحریم خرید نفت ایران و نیز کاهش سطح مناسبات اقتصادی و تجاری در برانگیختن همکاری تهران، موفق نبوده است. سوم اینکه هزینه‌های تحمیل شده بر ایالات متحده و اتحادیه اروپا وسیع بوده و همچنان رو به گسترش است و چهارم اینکه نتیجه تحقیق مبین این است که ایالات متحده و اتحادیه اروپا در خلال سیاست تحریم‌ها، زمینه ساز بیشتر نفوذ شرق و بخصوص چین در بازار ایران شدند. به بیان دیگر، غرب خود را علیه نفوذ خود در ایران تحریم کرد و موجب شد دو طرف تحریم کننده و تحریم شونده در فرایند اجرای تحریم متضرر شوند.

کلیدواژه‌ها

اقتصاد سیاسی، تحریم نفتی، اتحادیه اروپا، کاهش سطح مناسبات اقتصادی و تجاری

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
shamsikazemi@yahoo.com

** دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۱. بیان مسأله

اقتصاد جمهوری اسلامی ایران از ابتدای تاسیس تا کنون با انواع تحریم‌های بین‌المللی مواجه شده است. تحریم اقدام برنامه ریزی شده یک یا چند دولت از طریق محدود کردن مناسبات اقتصادی برای اعمال فشار بر کشور هدف با مقاصد مختلف سیاسی است. در سال‌های اخیر موج جدیدی از تحریم‌ها علیه ایران به دلیل برنامه هسته ای آن به وجود آمده است. کشورهای غربی و بالخصوص اتحادیه اروپا البته با محوریت آمریکا با غیر شفاف خواندن فعالیت‌های هسته ای ایران، آن را به برنامه ای جهت دست یابی به سلاح‌های هسته ای متهم کرده اند اتهامی که ایران همواره آن را رد کرده است. در همین راستا طی سال‌های اخیر تحریم‌هایی علیه برنامه هسته ای ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد وضع شد که بخشی از این تحریم‌ها صنعت نفت و نیز مبادلات بانکی ایران را محدود یا به طور کلی قطع می‌کند. صنعت نفت نقشی محوری در اقتصاد جمهوری اسلامی ایران داشته به طوری که هم اکنون بخش مهمی از درآمدهای دولت به آن و فرآورده‌های حاصل از آن وابسته است.

پس از تصویب تحریم خرید نفت از جمهوری اسلامی در اتحادیه اروپا، این اتحادیه از ورود نفت ایران به کشورهای اروپایی جلوگیری به عمل آورد (Korteweg, 2013:12). اگرچه بر اثر تحریم‌ها درآمدهای نفتی ایران به شدت کاهش یافت و بر اقشار مختلف مردم ایران فشار زیادی وارد آمد، اما این تحریم‌ها برای اتحادیه اروپا نیز هزینه‌های بالایی به دنبال داشت و باعث کمبود انرژی در درون این اتحادیه گردید. فی الواقع اگرچه اتحادیه اروپا، ایالات متحده را در اعمال تحریم‌ها بر علیه ایران همراهی نمود اما باید به این عنایت نمود که تحریم‌های اعمالی بر جمهوری اسلامی به نوعی بر جوامع اروپایی و اقتصاد کشورهای حوزه اتحادیه اروپا تأثیر گذاری مستقیم داشته است.

این تحقیق بر آن است تا ضمن تبیین جایگاه تحریم در نظریه‌های اقتصاد سیاسی بین الملل، تاثیرات تحریم‌های نفتی جمهوری اسلامی ایران بر اقتصاد سیاسی اتحادیه اروپا و نیز تاثیرات سیاست اقتصادی اتحادیه اروپا در اجرای تحریم‌ها علیه ایران بر عملکرد اقتصادی رقبای این اتحادیه در بازار اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را از یکسو و سیاست اقتصادی اتحادیه اروپا در اجرای تحریم‌ها بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را از سوی دیگر بررسی نماید.

۲. ادبیات نظری تحقیق

۲-۱. تبیین مفهومی تحریم

در فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی لغت «سنکشن»^۱ معادل «تحریم، اجازه دادن، مجازات» معنی شده است (نوروزی قبادیانی، ۱۳۷۹: ۲۶۰). هافبوئر، اسکات و الیوت «تحریم اقتصادی را به معنی توقف عمدی یا تهدید به توقف روابط معمول تجاری یا مالی از سوی یک دولت می دانند» (بهروزی فر، ۱۳۸۳: ۱۹۸). بسیاری از تحریم‌ها جنبه منافع شخصی داشته و کشورهای توسعه یافته خصوصاً ایالات متحده آمریکا تحریم‌های فراوانی را نسبت به کشورهای که در گروه دوستانش قرار نمی گیرند لحاظ می کنند از جمله این کشورها جمهوری اسلامی ایران است که بعد از انقلاب مورد تحریم‌های شدید اقتصادی و سیاسی آمریکا و متحدان اش قرار گرفته است. همچنین کی. جی هالستی تحریم را این گونه تعریف می کند: «در تحریم تجاری که یک حکومت برقرار می کند ورود کالاهای خاص یا همه محصولات صادراتی کشور تحریم شونده ممنوع می گردد». در تعریفی دیگر باری ای. کارتر تحریم را چنین بیان می کند: «تدابیر قهر آمیز اقتصادی بر ضد یک یا چند کشور برای ایجاد تغییر در سیاست‌های آن کشور یا دست کم بازگو کننده نظر یک کشور، درباره این گونه سیاست‌ها است؛ برقراری ممنوعیت معامله، اعطا یا متوقف کردن کمک از جمله فروش یا اعطای تجهیزات نظامی، سلب مالکیت و...» (سخائی اردکانی، ۱۳۸۹: ۶۱-۵۹).

مطالعه سابقه تاریخی استفاده از تحریم نشان می دهد که اعمال تحریم‌ها با هم متفاوت بوده است و بر اساس معیارهای خاصی می توان آن را تقسیم بندی کرد:

۱. با توجه به منشأ تحریم می توان آن را به سه نوع تقسیم کرد:

الف) تحریم‌های یک جانبه: این نوع تحریم اقدام یک کشور علیه کشور هدف می باشد، اثر بخشی این نوع تحریم معمولاً بسیار اندک است مگر آنکه کشور تحریم کننده نسبت به کشور هدف از قدرت اقتصادی بیشتری برخوردار باشد و وابستگی‌های متقابل دو کشور زیاد باشد؛

ب) تحریم چند جانبه: در این حالت دو یا چند کشور می کوشند، دولتی خاص را در اجبار قرار دهند، بر این اساس ما مفهوم «دولت‌های قانون شکن» را داریم، یعنی بازیگرانی که هنجارها و انتظارات تعداد زیادی از اعضای اجتماع دولت‌ها را نقض می کنند؛

ج) تحریم توسط سازمان‌های بین‌المللی (همه جانبه): تحریم‌های همه جانبه از سوی سازمان‌های بین‌المللی صورت می‌گیرد، که این امر بویژه در دوران جنگ سرد به دو دلیل به ندرت صورت گرفته است: اول؛ اینکه در تأمین توافق وسیع، برای اقدام مشکل وجود داشته، دوم؛ اینکه حفظ نظم و انتظام میان دولت‌های تحریم کننده طی دوره تحریم، دشوار بوده است. البته فروپاشی شوروی به سازمان ملل متحد این فرصت را داد که نقش برجسته تری در مسائل بین‌المللی بازی کند، برای نمونه اعمال ۱۲ تحریم در دهه ۱۹۹۰ در برابر دو تحریم پیش از آن. ۲. مبنای دیگر تحریم، شدت آن می باشد، بر این اساس تحریم‌ها به انواع زیر تقسیم می‌شوند: الف) تحریم اقتصادی مطلق: یعنی قطع کلیه روابط اقتصادی، بازرگانی، دیپلماسی، فرهنگی و گردشگری نظیر تحریم آمریکا علیه کوبا؛

ب) تحریم اقتصادی محدود یا نسبی: مثل تحریم اقتصادی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران؛ ج) فشار آرام اقتصادی (محاصره نامرئی): در این روش بدون ایجاد یک پاسخ ملی گرایانه علیه کشور اعمال کننده تحریم، آثار جدی اقتصادی، برای کشور هدف بدنبال خواهد داشت. اقدام‌های مختلفی که در این نوع تحریم به کار می‌روند عبارتند از: کاهش سرمایه‌گذاری خارجی؛ تأخیر در تحویل قطعات یدکی؛ ایجاد مانع در مورد دادن مجوز یا دیگر موارد انتقال تکنولوژی؛ قطع یا تقلیل وام‌ها و اعتبارات دو جانبه و اعتبارات چند جانبه؛ امتناع از تأمین مالی مجدد برای بازپرداخت قروض موجود؛ محاصره نامرئی در مورد کشوری که از قبل وابستگی و برخورداری اجتماعی چشمگیری داشته، می‌تواند به تغییر رژیم و نهایتاً برآورده شدن هدف‌های اقتصادی قدرت‌های بزرگ منجر شود نمونه‌های آن؛ غنا در سال‌های ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۲، برزیل ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۴، پرو ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۸ منشأ تحریم در همه این کشورها به جز غنا آمریکا بود (سخائی اردکانی، ۱۳۸۹: ۷۴-۷۲).

د) علاوه بر تحریم‌های اقتصادی، نوع دیگری از تحریم وجود دارد که تحت عنوان تحریم‌های غیر اقتصادی می‌توان از آن نام برد. این تحریم‌ها معمولاً قبل از تحریم‌های اقتصادی آغاز می‌شوند و هدف آن‌ها ترغیب کشور هدف به تغییر سیاست مورد نظر است و با توجه به نوع کشور و شرایط موضوع متفاوت است و می‌تواند موارد زیر را در برگیرد:

۱. خودداری از اعطای ویزا؛
۲. لغو ملاقات‌های چند جانبه؛
۳. کاهش سطح نمایندگی سیاسی؛

برنامه هسته ای ایران و تحریم نفتی اتحادیه اروپا؛ علل و نتایج

۴. مخالفت با میزبانی کشور هدف برای اجلاس‌های بین‌المللی؛
۵. جلوگیری از عضویت کشورهای هدف در سازمان‌های بین‌المللی؛
۶. خودداری از کمک‌های مالی و مساعدت‌های رسمی (مخصوصاً در مورد کشورهای فقیر اعمال می‌شود).
۷. قطع ارتباطات تلفنی، رادیویی، حمل و نقل هوایی و دریایی... (روحانی، ۱۳۸۱: ۳۴).

۲-۲. مدل تحلیلی رفتار اتحادیه اروپا از منظر نظریه‌های اقتصاد سیاسی بین‌الملل

۲-۲-۱. مدل تحلیلی رفتار غرب از منظر نواقح‌گرایی

بحث تحریم همواره، در رابطه میان ایران و غرب سنگینی کرده است و از سال ۲۰۰۲ میلادی به این سو و با بحران هسته‌ای ایران، تحریم‌ها و مجازات‌ها به چالشی اساسی میان ایران و غرب تبدیل شده بود (بالازاده، اشرفی و بارانی، ۱۳۹۴: ۷۶-۷۰). نواقح‌گرایان برای تحلیل این‌گونه برخوردهای غرب و کنش ایران در ارائه مدل‌هایی تلاش کرده‌اند. در نگاه نواقح‌گرایان اصلی‌ترین فرض، نگرانی امنیت است و روابط بین‌الملل را با سیاست کشورهای قدرتمندتر در مقابل کشورهای ضعیف توضیح می‌دهند. این نظریه بر اهمیت ساختار سلسله‌مراتبی بین‌المللی بر رفتار کشورها تأکید و فرض می‌کند که کشورها عوامل یک‌پارچه در این فضا هستند. همچنین فقط بر عوامل مادی تأکید دارد و به هیچ شکل به مساله هنجارها، اعتقادات و ارزش‌های حاکم بر دیگر جوامع اهمیتی داده نمی‌شود.

اصلی‌ترین عامل در افزایش تحریم در سال‌های اخیر بحث انرژی هسته‌ای ایران و نگرانی غرب در رابطه با منع گسترش تسلیحات بوده است. از دید نواقح‌گرایی در این باره عنوان می‌شود: موقعیتی وجود دارد که در آن‌ها نواقح‌گرایی قائل به واکنشی شدیدتر در قبال نقض منع گسترش است. نقض منع گسترش توسط دشمن با واکنشی شدیدتر از نقض آن توسط متحدان مواجه خواهد شد (Drezner, 1999: 73). اگر کشورهای بزرگ به رفتارهای خصمانه روی آورند، در مقایسه با کشورهای کوچک سریع‌تر به‌عنوان تهدید درک می‌شوند. اما کشورهای بسیار کوچک نیز ممکن است به دلیل دخالت در فعالیت‌های تروریستی یا توان اتمی، تهدید تلقی شوند. به این ترتیب جدا از اندازه، اهداف و توانایی‌های یک کشور در مقابل قدرت نظامی یا اقتصادی، توازن ایجاد خواهد کرد.

درزنی^۱ به عنوان یکی از نواقعی گرایان عنوان می‌کند که انتظار کشورها برای درگیری در آینده و هزینه‌های احتمالی که ممکن است در صورت ایجاد بن‌بست بپردازند، دلایل اصلی برای اعمال و موفقیت تحریم هستند. وی از نوعی پارادوکس تحریم صحبت می‌کند که در آن اگر وضع بر همین شکل بماند، کشور-های اعمال‌کننده تحریم برای اعمال زور بر کشورهای دشمن آماده‌اند؛ اما تمایلی به اعمال آن علیه کشورهای متحد ندارند (Drezner, 1994:41). پارادوکس در اینجا است که تحریم‌ها غالباً در مقابل کشورهای متحد موفق‌تر از کشورهای دشمن است. زیرا به دلیل منفعت نسبی که در این میان مطرح است، متحدان آسان‌تر از دشمنان تسلیم می‌شوند. از سوی دیگر، کشور دشمن احساس می‌کند که در صورت تسلیم نه تنها جایگاه خود را در مذاکرات از دست خواهد داد؛ بلکه مستقیماً دستاورد نسبی کشور اعمال‌کننده را افزایش داده و به این ترتیب به افزایش اهرم‌های آن کشور در مجادلات آینده کمک خواهد کرد. به همین دلیل دشمنان به سادگی به درخواست‌های تحریم تن نمی‌دهند (ولی‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۸۱). از نظر نو واقع‌گرایان، تنها در شرایطی بسیار محدود مشوق‌ها به کشورهای دشمن ارائه می‌شوند. به این ترتیب درخواست‌ها غیرقابل مذاکره شده، مشوق‌ها برای کشور هدف بسیار جذاب شده و در مقابل برای کشور ارائه‌دهنده تقریباً هیچ هزینه‌ای در بر ندارد (Drezner, 1999:52). منع گسترش و حقوق بشر از همین درخواست‌های غیرقابل مذاکره است و معیار عمومی در این باره معمولاً به عنوان توهینی مستقیم تلقی شده و کشور هدف، معتقد است که تسلیم شدن به بی‌ثباتی در کشور منجر خواهد شد.

بحث دیگر نواقعی‌گرایی در مورد هزینه‌های مالی و اقتصادی ناشی از تحریم از منظر غرب است. هرچه میزان هزینه‌های مورد انتظار (فوری یا در آینده) کمتر باشد، احتمال بررسی تحریم به عنوان یک گزینه مطلوب بیشتر می‌شود. هرچه هزینه بیشتر باشد، احتمال اعمال تحریم کمتر می‌شود. در مطالعات پیشین این نتیجه حاصل شده است؛ زمانی که منفعت آمریکا تهدید می‌شود، هزینه‌های اقتصادی مانع از اعمال تحریم توسط این کشور نشده است (Ellings, 1985:40). نواقعی‌گرایان در رابطه با منع گسترش و تحریم این‌گونه می‌گویند:

۱. هرچه کشور ناقض از نظر راهبردی اهمیت بیشتری داشته باشد، احتمال تحریم آن کمتر خواهد شد و اقدامات احتمالی نیز سبک‌تر خواهد بود و هرچه آن کشور از نظر راهبردی بااهمیت‌تر باشد تحریم بیشتر خواهد شد؛

1. Drezner

۲. هرچه کشور ناقض قواعد و ساختار بین‌الملل، تهدید مهم‌تری برای قدرت‌های بزرگ به‌ویژه اتحادیه اروپا با آمریکا باشد، احتمال تحریم آن در صورت بی‌توجهی به منع گسترش بالاتر خواهد رفت؛

۳. دشمنان احتمالاً شدیدتر از متحدان تحریم خواهند شد. احتمال ارائه مشوق متحدان بیشتر از دشمنان است؛

۴. به‌دلیل منفعت اقتصادی و ارزان‌بودن هزینه اعمال تحریم برای جلوگیری از گسترش نافرمانی در قیاس با جنگ؛

۵. هرچه یک کشور از نظر تجاری، بازار، مالکیت نفت یا انرژی هسته‌ای و یا مجاورت جغرافیایی اهمیتی بیشتر داشته باشد، بدون توجه به نقض احتمالی منع گسترش احتمال اقدامات منفی کمتر خواهد شد (ولی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۸۵).

در ارتباط میان نواقعی‌گرایی و تحریم ایران از سوی غرب شایان توجه آنکه نواقعی‌گرایان پیگیری فعالیت‌های هسته‌ای ایران و حمایت از گروه‌های اسلامی همانند حزب‌الله لبنان، به‌دنبال تهدید منافع ملی کشورهای غربی از جمله اسرائیل و منافع آمریکا در منطقه خاورمیانه و سایر مناطق را تهدید می‌دانند. درواقع، آنچه برای نواقعی‌گرایان همیشه اهمیت داشته است، دغدغه امنیت است. نواقعی‌گرایان با تحریم‌های مختلف در مجاب‌کردن ایران برای دست‌کشیدن از فعالیت‌های خود که منافع غرب را تهدید می‌کند تلاش کرده‌اند. از آنجا که ایران به‌عنوان یک کشور دوست تلقی نمی‌شود و مبادلات تجاری زیادی با آمریکا ندارد در نتیجه به راحتی به این تحریم‌ها تن نداده و به مقابله با آن پرداخته است. به‌دلیل همین پایین‌بودن سطح مبادلات تجاری و اقتصادی ایران با غرب به‌ویژه آمریکا و اسرائیل است که این کشورها در اعمال حداکثری تحریم‌ها تلاش دارند؛ زیرا هیچ‌گونه آسیبی از نظر قطع رابطه اقتصادی بدان‌ها نمی‌رسد؛ زیرا رابطه زیادی ندارند (بالازاده، اشرفی و بارانی، ۱۳۹۴: ۷۳).

از آن‌سو، چین و روسیه به‌دلیل داشتن منافع بیشتر نسبت به غرب در ایران در ایجاد توازن در این تحریم‌ها و جلوگیری از جنگ تلاش دارند. پس از دید نواقعی‌گرایان تا زمانی که دغدغه امنیت برطرف نشود و حجمی از مبادلات تجاری و اقتصادی که ضامنی برای جلوگیری از تنش باشد ایجاد نشود، دامنه تحریم و وادارسازی ادامه خواهد یافت. از سوی دیگر کشور ایران به‌دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی در منطقه و همچنین نظام دینی مردم‌سالار حاکم بر آن چون برای

غرب اهمیت دارد و همچنین خطری بزرگ محسوب می‌شود؛ لذا تحریم و واکنش شدیدی توسط آمریکا و اتحادیه اروپا در قبال ایران شکل گرفته است.

۲-۲. مدل تحلیلی رفتار غرب از منظر نهادگرایی نولیبرال

نهادگرایی نولیبرال را به نام‌های نهادگرایی یا «واقع‌گرایی ساختاری تغییریافته» نیز معرفی می‌کنند که درباره منطق‌گرایی ابزاری در رفتار کشورها و ساختار مادی‌گرا در مبنای روابط بین کشورها، فرضیه‌هایی مشابه نوواقع‌گرایی مطرح می‌کند. نهادگرایی نولیبرال در ساده‌ترین شکل بر نقش نهادها در سطح بین‌الملل تأکید دارد و بر همان فرضیه عامل یک‌پارچه تأکید دارد. نهادگرایی نولیبرال بر نقش نهادهای بین‌المللی در بحث تحریم ایران اشاره دارد. نهادگرایی نولیبرال عنوان می‌کند که برای تأثیرگذاری بیشتر تحریم‌ها برای مجاب‌ساختن ایران باید تحریم‌ها در چارچوب نهادهای بین‌المللی همچون شورای امنیت قرار گیرد. همکاری هزینه را کاهش می‌دهد و ریسک‌ها را تقسیم می‌کند. در شرایطی که اعمال‌کننده اصلی می‌پذیرد هزینه بیشتر را در برابر اعمال تحریم ایران بپردازد؛ بنابراین این مساله به افزایش اعتبار آمریکا و تشویق دیگر کشورها به پیروی از مسیر آمریکا، منجر می‌شود.

در نهادگرایی نولیبرال فرض بر آن است که اتحادیه اروپا و آمریکا در هر زمان ممکن به دنبال تحریم‌های چندجانبه بوده و از تحریم‌های سازمان ملل فراتر نروند مگر در زمانی که چنین اقدامی هیچ هزینه‌ای برای آن‌ها در پی نداشته باشد. چندجانبه‌گرایی مسئله‌ای مهم در زمینه تحریم است، زیرا گفته می‌شود تأثیر تحریم را افزایش خواهد داد. هرچه تعداد متحدان تجاری که در یک تحریم شرکت می‌کنند افزایش یابد، اعتبار تهدید علیه کشور هدف افزایش خواهد یافت (Martin, 1992).

اصلی‌ترین فرض‌های نهادگرایی نولیبرال در مورد تحریم:

۱. لیبرال دموکراسی، شرکای تجاری مهم‌تر خود را نیز تقریباً با شدتی یکسان تحریم می‌کنند زیرا به جای تجارت دو جانبه به دنبال اتحاد ملل هستند؛
۲. لیبرال دموکراسی‌ها درباره اعمال تحریم‌های سازمان ملل علیه شدیدترین ناقضان منع گسترش، ساده‌تر به توافق بین‌المللی می‌رسند. تحریم‌های سازمان ملل در برابر این کشورها شدیدتر خواهد بود؛

برنامه هسته ای ایران و تحریم نفتی اتحادیه اروپا؛ علل و نتایج

۳. بر اساس این فرضیه‌های نهادگرایی انتظار می‌رود که اتحادیه اروپا و آمریکا در هر زمان ممکن به دنبال تحریم‌های چندجانبه باشند و از تحریم‌های سازمان ملل فراتر نروند مگر در زمانی که چنین اقدامی هیچ هزینه‌ای برای آن‌ها در پی نداشته باشد؛

۴. هرچه روابط بین‌الملل از راه توافقات رسمی نهادینه‌تر شود، احتمال اعمال تحریم کمتر می‌شود؛ زیرا چنین اقدامی به معنی نقض توافقنامه خواهد بود؛

۵. نولیبرالیسم معتقد است که اعمال و سطح تحریم‌ها رابطه‌ای معکوس با اهمیت اقتصادی و راهبردی کشور هدف خواهد داشت. همچنین احتمال تنبیه دشمنان در مقایسه متحدان بیشتر و احتمال تشویق آن‌ها کمتر است (Hazelzet, 2001:30).

در مورد ایران شایان توجه اینکه براساس پیش‌فرض نولیبرال‌ها همانند نواقعی‌گرایان، هر چه منفعت اقتصادی و مبادله تجاری با کشور هدف بیشتر باشد، احتمال تحریم آن کشور کمتر و هر چه مبادلات تجاری کمتر باشد احتمال تحریم بیشتر می‌شود. براساس همین فرضیات نولیبرال‌ها، هر چه این تحریم‌ها از راه سازمان‌های بین‌المللی اعمال شود، احتمال تأثیر آن بیشتر خواهد شد. از آنجاکه اتحادیه اروپا در مقایسه با آمریکا روابط تجاری بیشتری با ایران دارد، مشاهده می‌شود که دیرتر گام به تحریم ایران می‌گذارد و در مقایسه با آمریکا تحریم‌های ملایم‌تری را اجرا می‌کند و چنانچه تحریم‌ها به صورت کامل لغو شود زودتر لغو تحریم‌ها به اجرا گذاشته می‌شود (بالازاده، اشرفی و بارانی، ۱۳۹۴: ۷۴). با توجه به نمودار زیر می‌توان با توجه به پیش‌فرض‌های نولیبرال‌ها، علت رفتار دوگانه اتحادیه اروپا و آمریکا را در قبال تحریم ایران دریافت.

جدول (۱): سود و زیان اقتصادی کشورها در تحریم ایران

کشورها	شدت تحریم	تحریم محدود و موقت	تحریم نفتی	تحریم فراگیر و نامحدود
جمهوری اسلامی ایران	-	-	-	-
ایالات متحده	+	+	+	+
اتحادیه اروپا	+	+	-	-

(یزدان فام، ۱۳۸۵: ۸۰۴)

در نولیبرالیسم و نهادگرایی نولیبرال عنوان می‌شود، برای آنکه بتوان در جهت‌گیری‌های کشوری که ساختار نظام بین‌الملل را به‌چالش می‌کشد تغییر ایجاد کرد، با توجه به سازمان‌های بین‌المللی و تقسیم هزینه‌های مجازات می‌توان برای مجازات این کشور خطاکننده بهتر و زودتر به نتیجه رسید. در نولیبرالیسم عنوان می‌شود، هرچه یک کشور از نظر اقتصادی رابطه بیشتری با دیگر قدرت‌های اقتصادی داشته باشد، تحریم آن سخت‌تر و هرچه رابطه کمتری داشته باشد و از نظر اقتصادی ضعیف‌تر، وابسته‌تر به یک یا چند محصول باشد، مجازات آن راحت‌تر خواهد بود. همچنین عنوان می‌شود که هرچه مبادلات تجاری بیشتر باشد، امکان تحریم یک‌جانبه خیلی کمتر خواهد شد و هرچه مبادلات تجاری کمتر باشد، امکان تحریم‌های یک‌جانبه نیز بیشتر و بیشتر خواهد شد (ولی‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۸۶).

در بحث رفتاری غرب در رابطه با تحریم ایران رگه‌های نواقعی‌گرایی و نهادگرایی نولیبرال را دیده می‌شود. از دید قدرت، این کشورها و آمریکا خواستار گفت‌وگو و گذاشتن پیش‌شرط در مذاکرات شان با ایران هستند و یا آنکه دغدغه‌های امنیتی دارند و همواره به دلایل منافع امنیتی خود به دنبال اعمال مجازات علیه ایران هستند که شاهد کاربرد نواقعی‌گرایی هستیم. آنجایی که همواره به دنبال کشاندن موضوع به شورای امنیت و مجازات حداکثری ایران و تقسیم‌کردن هزینه این مجازات‌ها، با سایر کشورها برای نتیجه‌دادن فشارها بر ایران هستند، جا پای نولیبرالیسم و نهادگرایی نولیبرال را می‌بینیم. در آخر اینکه، تحریم‌های یک‌جانبه غرب، به‌ویژه آمریکا با توجه به عدم مبادله قابل توجه اقتصادی بین ایران و آمریکا در صورت تحریم مجدد از سوی کنگره نیز چندان ضرری متوجه آمریکا نخواهد شد و یا بسیار اندک است و نوع رفتار آمریکا در واقع، تداعی‌کننده نفوذ و عمل براساس تفکر نواقعی‌گرایی نهادگرایی نولیبرال است.

۳. تحریم نفتی ایران

با وجود گذشت بیش از ۱۰۰ سال از ایجاد صنعت نفت در کشور و بیش از ۵۰ سال از ملی شدن آن، این صنعت همچنان یکی از مهم‌ترین صنایع کشور از دیدگاه اقتصادی و سیاسی، محسوب می‌شود زیرا صنعت نفت تامین کننده اصلی درآمدهای ارزی کشور است به گونه ای که تا پیش از تشدید تحریم‌های غرب در سال‌های اخیر، بیش از ۸۰ درصد درآمدهای ارزی حاصل از صادرات کشور توسط درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز تامین می‌شد. بر همین اساس این صنعت از همان سال‌های ملی شدن صنعت نفت تاکنون همواره آماج تحریم‌های

برنامه هسته ای ایران و تحریم نفتی اتحادیه اروپا؛ علل و نتایج

دشمنان این کشور قرار داشته است. به صورت کلی، تحریم‌های صنایع نفت، گاز و پتروشیمی ایران توسط کشورهای غربی بخصوص آمریکا از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون و بخصوص در سال‌های اخیر را می‌توان به چهار دسته زیر تقسیم کرد:

الف) تحریم سرمایه‌گذاری در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی ایران و تامین مالی آن: کلیه سرمایه‌گذاری‌ها و تامین مالی توسط شرکت‌های آمریکایی در صنایع نفت و گاز ایران و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و کشورهای ثالث در صنایع نفت و گاز ایران.

ب) تحریم خرید و فروش نفت خام، میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی ایران: واردات نفت خام توسط شرکت‌های آمریکایی از ایران، واردات نفت خام توسط شرکت‌ها و کشورهای ثالث از ایران و واردات محصولات تصفیه شده از مواد خام نفتی ایران.

ج) تحریم صادرات تجهیزات و فناوری به ایران: صادرات فناوری و تجهیزات مربوط به صنایع پتروشیمی، نفت و گاز ایران، همکاری برای تولید محصول پالایشی بنزین در ایران شامل فروش یا تامین کالا، خدمات، فناوری، اطلاعات یا سایر حمایت‌ها در آن راستا.

د) تحریم صادرات فرآورده‌های پالایشی و بنزین به ایران: صادرات بنزین و فرآورده‌های پالایشی نفتی به ایران.

این تحریم‌ها، دارای درجات مختلف نیز می‌باشند. به عنوان نمونه، آمریکا در ابتدا سرمایه‌گذاری بیش از یک میلیون دلار شرکت‌های آمریکایی در صنایع انرژی ایران را مشمول تحریم اعمال کرد. سپس شرکت‌های غیرآمریکایی را نیز مشمول تحریم‌های خود قرار داد. در مرحله بعد، سقف این سرمایه‌گذاری را کاهش داد و نهایتاً با حذف سقف سرمایه‌گذاری، هر گونه تامین مالی و سرمایه‌گذاری در بخش انرژی ایران را ممنوع کرد.

تحریم نفت ایران اقدامی است که از سوی برخی از کشورهای جهان به رهبری ایالات متحده به منظور جلوگیری یا محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران صورت گرفته. کشورهای تحریم‌کننده هدف خود از این تحریم‌ها را محروم کردن این کشور از درآمدهای نفتی و وادار کردن آن به همکاری با جامعه جهانی برای بر طرف کردن ابهامات درباره برنامه احتمالی هسته‌ای نظامی ایران می‌دانند (رویترز، ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲). این تحریم‌ها با ابزارهایی مستقیمی، همچون تحریم خرید و یا خریداران، و نامستقیمی، همچون تحریم بیمه‌ای کشتی‌های نفتکش و یا تحریم بانکی، اعمال و با هدف انصراف خریداران نفت این کشور و رو کردن آن‌ها به دیگر عرضه‌کنندگان این کالا انجام می‌شوند.

در پی این تحریم‌ها و کم شدن خرید نفت از ایران به دلیل تلاش کشورهای خریدار برای جایگزین کردن نفت این کشور با نفت دیگر تولیدکننده‌ها، صادرات نفت ایران در ۲۰۱۲ به زیر ۲ میلیون بشکه در روز رسید (رویترز، ۲۳ مارس ۲۰۱۲).

نمودار (۱): تولید نفت ایران طی سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۱۵.



۴. اتحادیه اروپا و تحریم نفت ایران

اتحادیه اروپا در نشست بروکسل، طی تصمیم شورا به شماره CFSP/35/ 2012، تحریم خرید نفت از ایران را تصویب کرد. موارد زیر بخشی از مصوبات این تحریم بودند: ممنوعیت واردات، خرید یا انتقال نفت خام، فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی ایران؛ لغو و فسخ از قراردادهای موجود نفتی کشورهای این اتحادیه با ایران؛ تحریم حمل نفت ایران به هر کشور دیگری توسط نفت کش‌های کشورهای عضو؛ تحریم ارائه هر گونه خدمات مالی شامل بیمه برای حمل نفت ایران از سوی کشورهای عضو؛ بلوکه کردن کلیه حساب‌های بانک مرکزی ایران در اروپا و ممنوعیت مراوده مالی با آن؛ ممنوعیت صادرات تجهیزات و فناوری و ممنوعیت سرمایه گذاری و اعطای وام برای صنایع نفت و گاز به ایران؛ کنترل کلیه نقل و انتقالات پولی از سطح اتحادیه اروپا به ایران؛ کنترل سختگیرانه تر فعالیت شبکه تجاری شبکه کشتیرانی ایران. در تاریخ ۲۳ ژانویه، اتحادیه اروپا تصمیم به تحریم نفت ایران گرفت. بدین صورت که با پایان یافتن قراردادهای سالانه شرکت‌های نفتی اروپایی با ایران، اقدام به تمدید این قراردادها

برنامه هسته ای ایران و تحریم نفتی اتحادیه اروپا؛ علل و نتایج

نخواهند کرد. و تا پایان ژوئن ۲۰۱۲ حجم واردات نفت خام اروپا از ایران به صفر خواهد رسید (لس آنجلس تایمز، ۲۴ ژانویه ۲۰۱۲).

پالایشگاه‌های یونان به دلیل ناتوانی در پرداخت پول، خرید نفت ایران را پیش از به پایان رسیدن مهلت مقرر از سوی اتحادیه اروپا قطع کردند (رویترز، ۳ آوریل ۲۰۱۲). واردات نفت یونان از ایران نیز در ماه آوریل ۲۰۱۲ به کلی قطع شد (بی‌بی‌سی پارسی، ۶ آوریل ۲۰۱۲). بنا بر گزارش کمیته ذخایر راهبردی هیدروکربنی (CORES)، اسپانیا در خرید نفت خود از ایران در دوره زمانی دسامبر ۲۰۱۱ تا ژانویه ۲۰۱۲ کاهشی ۳۱ درصدی اعمال کرده و در عوض خرید از عراق و نیجریه را افزایش داده است (رویترز، ۹ آوریل ۲۰۱۲). اندکی پس از انتشار این گزارش، وزارت خارجه این کشور اعلام کرد که خرید نفت ایران را از پایان ماه فوریه به کل قطع کرده است (راديو فردا، ۹ آوریل ۲۰۱۲).

۱-۴. تحریم صنعت پتروشیمی ایران

همچنین شورای اتحادیه اروپا در ۴ فروردین ۱۳۹۱ (۲۳ مارس ۲۰۱۲) برابر با مقررات ۲۶۷/۲۰۱۲ تحریم‌های گسترده ای درباره صنعت پتروشیمی ایران اعمال کرد. براساس این مقررات، موارد زیر در ارتباط با این صنعت مورد تحریم قرار گرفت: فروش تجهیزات و تکنولوژی به ایران، سرمایه‌گذاری در صنعت پتروشیمی ایران، واردات و خرید محصولات پتروشیمی ایران توسط کشورهای عضو اتحادیه اروپا، حمل و نقل محصولات پتروشیمی و ارائه خدمات مالی مانند بیمه حمل و نقل و بیمه اتکایی.

۲-۴. تحریم شرکت‌های فنی و سرمایه‌گذاری در صنعت نفت

جلوگیری از همکاری شرکت‌های نفتی با ایران و عدم سرمایه‌گذاری آن‌ها در طرح‌های صنعت نفت این کشور در کنار عوامل دیگری چون عمر بالای چاه‌ها و فرسودگی تجهیزات، باعث کاهش تدریجی تولید نفت ایران شده‌اند.

۳-۴. شرکت‌های بیمه و نفتکش

تحریم‌های اتحادیه اروپا بر شرکت‌های بیمه طرف قرارداد با ایران و نیز شرکت‌های کشتیرانی که نفت این کشور را جابجا می‌کنند سبب مشکلاتی در ترابری این کالا و شرکت‌های مرتبط با آن در ژاپن و چین شد (راديو فردا، ۵ اسفند ۱۳۹۰). اتحادیه اروپا با به تعویق انداختن سه‌ماهه تحریم شرکت‌های بیمه‌گر کشتی‌های نفتکش از مبداء ایران، آن را به یکم ژوئن سال

جاری موکول کرد. تقریباً تمامی شرکتهای بیمه‌گر نفتکش‌ها از قوانین اتحادیه اروپا پیروی می‌کنند(بلومبرگ، ۲۴ مارس ۲۰۱۲).

مجموعه بیمه «پی اند آی کلاب»، بزرگترین شرکت ارائه دهنده خدمات بیمه کشتی در چین، اعلام کرد که از ماه ژوئیه از ارائه خدمات به کشتی‌های حامل نفت جمهوری اسلامی خودداری خواهد کرد(رویترز، ۵ آوریل ۲۰۱۲).

۴-۴. شرکت ملی نفتکش

شرکت ملی نفتکش ایران سال ۲۰۱۲ در فهرست تحریم اتحادیه اروپا قرار گرفت اما ژوئیه ۲۰۱۴ دادگاه عمومی اروپا با شکایت ایران، رای به لغو این تحریم‌ها داد. اتحادیه اروپا مجدداً در فوریه ۲۰۱۵ «شواهد تازه‌ای» علیه شرکت ملی نفتکش ارائه داد تا این شرکت را به فهرست تحریم‌ها برگرداند(بی‌بی‌سی فارسی، فوریه ۲۰۱۵). شرکت ملی نفتکش ایران برای جلوگیری از تحریم دوباره خود به مراجع قضایی انگلیس مراجعه کرد اما این مراجع به نفع تحریم دوباره این شرکت رای دادند و اینچنین اتحادیه اروپا، شرکت ملی نفتکش ایران را دوباره در فهرست تحریم‌های خود قرار داد.

۵. تاثیرات تحریم نفتی اتحادیه اروپا بر اقتصاد ایران

محدودیت‌ها و تحریم‌های اقتصادی که از سال‌های پیش آغاز شده بود در سال ۱۳۹۰ با سخت‌گیری‌های بیشتری دنبال شد به گونه‌ای که در اواخر این سال بانک مرکزی ایران توسط آمریکا تحریم شد و اتحادیه اروپا نیز در همین زمان دارایی‌های بانک مرکزی را ضبط کرده و سوئیفت نیز برای بانک‌های ایرانی مسدود شد. همچنین تمامی قراردادهای بین ایران و کشورهای اتحادیه اروپا در بخش نفت از سوی اروپا لغو شد. سال ۱۳۹۱ با تحریم واردات نفت ایران از سوی اتحادیه اروپا آغاز شد و در ماه‌های پس از آن بخش مالی ایران تحریم‌های سخت‌تری را پیش روی خود دید. در این سال تولید ناخالص داخلی ایران با افت درخورملاحظه ۵ درصدی مواجه شد، افتی که در سال‌های پس از انقلاب کم‌نظیر بوده است. سال ۱۳۹۱ با افت ۳ درصدی متوسط روزانه قیمت سبب نفت اوپک و همچنین افت ۱۳ درصدی فلزات اساسی و ۹ درصدی محصولات پتروشیمی نیز همراه بود. در این سال متوسط روزانه صادرات نفت ایران با افتی نزدیک به ۱۰ درصد به ۱,۹ میلیون بشکه در روز رسید. در سال ۹۱ نرخ تورم در کل ۲۹ درصد، خدمات ۱۹ درصد و کالاهای مصرفی به ۳۸ درصد بالغ شد. نرخ دلار

برنامه هسته ای ایران و تحریم نفتی اتحادیه اروپا؛ علل و نتایج

نیز با رشد قابل ملاحظه ۸۹ درصدی به بیش از ۳۵۰۰۰ ریال رسید (شمس آبادی، ۱۳۹۶؛ یانگز، ۱۳۹۴).

در سال ۱۳۹۲ نیز اقتصاد ایران از وضعیت چندان مناسبی برخوردار نبود، هر چند به نحو محسوسی از روند منفی متغیرهای اقتصادی کاسته شد. در این سال که با افت ۳ درصدی متوسط قیمت سبد نفت اوپک، کاهش ۷ درصدی شاخص قیمت جهانی فلزات اساسی و محصولات پتروشیمی همراه بود، تولید ناخالص داخلی نیز کمتر از ۲ درصد افت داشت. متوسط روزانه صادرات نفت ایران در این سال با کاهشی ۱۱ درصدی به ۱,۷ میلیون بشکه تنزل یافت. نرخ تورم در پایان این سال در کل به ۳۲ درصد، خدمات ۲۴ درصد و کالاهای مصرفی ۳۹ درصد بالغ شد. نرخ دلار در بازار آزاد که تا خرداد ماه به حدود ۳۶۰۰۰ ریال رسیده بود با افتی ۱۵ درصدی به بیش از ۳۰,۰۰۰ ریال کاهش یافت. این سال که در ماه‌های ابتدایی با تحریم صنعت پتروشیمی ایران از سوی اتحادیه اروپا همراه بود، پس از تغییرات سیاسی داخلی و جدی‌تر شدن مذاکرات هسته‌ای به توافق اولیه با قدرتهای جهانی که توافق ژنو نام گرفت، همراه شد. سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ برخلاف روند نزولی بازارهای جهانی با بهبود نسبی شرایط اقتصادی ایران همراه بود. این دو سال با رشد تولید ناخالص داخلی به ترتیب با نرخ ۲ و ۱ درصد همراه بود. سال ۱۳۹۳ با افت ۱۸ درصدی متوسط قیمت سبد نفت اوپک، کاهش ۱۴ درصدی قیمت محصولات پتروشیمی و نزول ۱۱ درصدی شاخص جهانی فلزات اساسی همراه بود. متوسط قیمت سبد نفت اوپک، شاخص قیمت جهانی فلزات اساسی و شاخص قیمت جهانی محصولات پتروشیمی نیز در سال ۱۳۹۴ به ترتیب با افت ۴۴، ۲۳ و ۲۸ درصدی همراه بود. بدین ترتیب متوسط قیمت سبد نفت اوپک که در سال ۱۳۹۰ به بیش از ۱۱۱ دلار رسیده بود در سال ۱۳۹۴ با افتی نزدیک به ۶۰ درصد به ۴۵ دلار تنزل یافت. متوسط روزانه صادرات نفت ایران نیز در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ به ترتیب با افت ۱۵ درصدی و رشد ۱۰ درصدی به حدود ۱,۴ و ۱,۶ میلیون بشکه رسید. نرخ دلار در سال ۱۳۹۳ با رشدی ۱۲ درصدی به کمتر از ۳۴۰۰۰ ریال رسید و با رسیدن به شرایطی پایدار در سال ۱۳۹۴ با رشدی ۲ درصدی به کمتر از ۳۵۰۰۰ ریال بالغ شد. سال ۱۳۹۴ با تحولات مهمی در عرصه دیپلماسی ایران همراه بود به گونه‌ای که در اواخر تیر ماه ایندر اواخر تیر ماه این سال برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) بین ایران و گروه ۵+۱ به امضا رسید و در اواخر دی ماه اجرایی شد (شمس آبادی، ۱۳۹۶؛ یانگز، ۱۳۹۴).

سال ۱۳۹۵ با رشد مطلوب تولید ناخالص داخلی ایران همراه بود. این سال با افزایش اندک ۱,۵ درصدی متوسط قیمت سبد نفت اوپک و رشد ۸ درصدی شاخص قیمت جهانی فلزات اساسی و افزایش ۳ درصدی شاخص قیمت محصولات پتروشیمی همراه بود اما تا پایان آذر ماه رشد ۷,۲ درصدی تولید ناخالص داخلی را از آن خود کرد. متوسط روزانه صادرات نفت ایران تا پایان شهریور ۹۵ با رشدی ۳۱ درصدی به بیش از ۲ میلیون بشکه رسید. متوسط قیمت سبد نفت اوپک در این سال با افزایشی کمتر از ۱ دلار به نزدیک ۴۶ دلار در هر بشکه بالغ شد. نرخ تورم نیز تا آذر ماه این سال به ۷ درصد تنزل یافت. نرخ دلار در این سال رشدی حدود ۸ درصد داشت و به بیش از ۳۷۰۰۰ ریال بالغ شد.

جدول (۲): شرح اقدامات بین‌المللی علیه ایران.

شماره	تاریخ	تحریم کننده	شرح اقدامات
۱	۱۳۹۰/۱۰/۱۱	آمریکا	تحریم بانک مرکزی ایران
۲	۱۳۹۰/۱۱/۰۳	اتحادیه اروپا	ممنوعیت انعقاد هرگونه قرارداد جدید از سوی کشورهای اتحادیه اروپا با ایران در بخش نفت لغو کلیه قراردادهای جاری بین این و کشورهای اتحادیه اروپا در بخش نفت
۳	۱۳۹۰/۱۲/۲۷	اتحادیه اروپا	تعلیق دارایی‌های بانک مرکزی تحریم سوئیفت با هماهنگی آمریکا
۴	۱۳۹۱/۰۱/۲۴	اتحادیه اروپا	تحریم واردات نفت از ایران
۵	۱۳۹۱/۰۵/۱۰	آمریکا	تحریم ۵۰ شرکت و موسسه مالی ایران تحریم شرکت خطوط کشتیرانی ایران تحریم شرکت نفتکش ملی ایران
۶	۱۳۹۱/۰۷/۱۲	اتحادیه اروپا	ممنوعیت مبادلات بین بانک‌های ایرانی در اروپا مسدود کردن تمامی اعتبارات بانکی کوتاه‌مدت به ایران ممنوعیت واردات گاز از ایران ممنوعیت صادرات بسیاری از فلزات به ایران
۷	۱۳۹۱/۱۱/۱۸	آمریکا	ممنوعیت پرداخت ارز به ایران بابت صادرات نفت
۸	۱۳۹۲/۰۲/۱۰	اتحادیه اروپا	تحریم صنعت پتروشیمی
۹	۱۳۹۲/۰۹/۰۳	-	توافق اولیه بین گروه‌های مذاکره‌کننده تحت عنوان توافق ژنو
۱۰	۱۳۹۴/۰۴/۲۳	-	توافق جامع و نهایی هسته‌ای در وین
۱۱	۱۳۹۴/۱۰/۲۶	-	اجرائی شدن برجام

۶. تاثیرات تحریم نفتی ایران بر اقتصاد اتحادیه اروپا

در سال ۲۰۱۲، اروپایی‌ها حتی طبق قوانین تحریمی آمریکا می‌توانستند واردات نفت از ایران را ۲۰ درصد کاهش دهند (کاری که کشورهایی نظیر کره جنوبی و هند انجام دادند)، با این حال اروپایی‌ها برای همراهی با دولت باراک اوباما، خود قوانین تحریمی شدیدی علیه ایران وضع کردند و واردات نفت ایران از ایران را به صفر رساندند. شکل زیر مشتریان اروپایی نفت ایران را در دوره پیش از تحریم‌ها و در وضعیت فعلی نشان می‌دهد.

IRAN'S TOP EUROPEAN OIL BUYERS



Source: S&P Global Platts, EIA, Eurostat

شکل (۱): مشتریان اروپایی نفت خام ایران پیش از تحریم‌ها و در سال ۲۰۱۷

بزرگ‌ترین بازنده تحریم‌ها اعمالی، اتحادیه اروپا بود. در اروپا، اقتصاد آلمان سخت‌ترین آسیب را دید. این کشور بین ۲۳,۱ تا ۷۳ میلیارد دلار را از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ از دست داد. اما در مقایسه با کشورهای ایتالیا و فرانسه که به ترتیب مقادیر ۱۳,۶ - ۴۲,۸ و ۱۰,۹ - ۳۴,۲ میلیارد دلار متضرر شدند، آلمان هزینه بالاتری برای این تحریم‌ها پرداخت. با نگاهی به مشکلات به وجود آمده در اقتصاد اتحادیه اروپا طی چند سال اخیر، واضح است که زیان‌های پیش آمده قابل توجه بوده است.

همچنین زیان برای مابقی کشورهای عضو اتحادیه اروپا، در حدود ۱۴۵ تا ۴۵۸ میلیون دلار برای یونان و ۴,۱ تا ۱۲,۹ میلیون دلار برای اسپانیا عنوان شده است. بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ هزینه‌های تحریم موثر بر درآمدهای تجاری در مورد اتحادیه اروپا حدود ۲ برابر این هزینه برای آمریکا بوده است. کانادا نیز از این تحریم‌ها در امان نماد و متحمل زیانی بین ۶۵۰

میلیون دلار تا ۲,۱ میلیارد دلار از بخش درآمدهای صادراتی شد. در مقیاس جهانی، هزینه‌های متوسط سالانه تحریم ۵۲,۸ میلیارد دلار حاصل از درآمد صادرات به ایران از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۱۲ گزارش شده است (Blockmans, 2016; Factsheet, 2016).

در این شرایط مطابق نظر کارشناسان، تنها نوع نفتی که امکان جایگزینی نفت ایران را داشت نفت روسیه بود که در این صورت اتحادیه اروپا برای انعقاد قرارداد و تامین نفت خود از این کشور باید نکات مختلفی را مدنظر قرار می داد. از سوی دیگر روسیه هم نمی توانست در طولانی مدت نفت مورد نیاز کشورهای این اتحادیه را تامین نماید. نکته دیگر آنکه سابقه روسیه در برخورد با اتحادیه اروپا نشانگر آن بود که این اتحادیه نمی تواند برای شاهرگ حیاتی انرژی به روسیه اطمینان نماید و این کشور چون گذشته می تواند هر لحظه که تمایل داشته باشد صادرات نفت به اروپا را متوقف نماید. همچنین بحث قیمت خرید نفت از روسیه حایز اهمیت بود. گذشته از این‌ها، برخلاف تمایل آمریکا و اروپا، روسیه با صادرات نفت خود به اروپا از تاثیرگذاری بیشتری در معادلات بین المللی برخوردار شد و اروپا مجبور شد برای برآوردن نیاز انرژی خود بیش از پیش به روسیه متکی شود. گذشته از این‌ها، از دست دادن بازار بزرگ مصرفی ایران و تمایل ایران به جایگزینی چین و قدرت‌های نوظهوری همچون هند و روسیه در مراودات بازرگانی عرصه را برای رقبای اروپا در خاورمیانه تدارک و مهیا ساخت.

نتیجه گیری

مروری بر تحولات پس از تحریم نفتی جمهوری اسلامی ایران توسط اتحادیه اروپا و دنباله روی این اتحادیه از سیاست‌های ایالات متحده آمریکا در این زمینه، نتایج و یافته‌های ذیل را منعکس می نماید:

- برجسته سازی ناتوانی اتحادیه اروپا در سیاست‌های اقتصادی مستقل در اقتصاد سیاسی بین المللی؛
- برجسته سازی تبعیت اتحادیه اروپا از سیاست‌های اقتصادی ایالات متحده آمریکا؛
- فرصت سازی اقتصادی برای رقبایی همچون روسیه، چین و هند در خاورمیانه و بخصوص ایران؛
- از دست دادن بازار ایران بعنوان یکی از بازارهای بزرگ سنتی در خاورمیانه؛
- نفوذ شرق و بخصوص چین و هند در بازار ایران؛

- تشویق ایرانی‌ها به سیاست نزدیکی به شرق.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- بالازاده، زهره؛ اشرفی، امراه و بارانی، فرهاد (۱۳۹۴). «بررسی واکنش ایران به چالش‌ها و تحریم‌های بین‌المللی از منظر سازه‌انگاران»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، دوره ۸، شماره ۳۲، زمستان، صص ۶۷-۹۰.
- بهروزی‌فر، مرتضی (۱۳۸۳). «اثر تحریم‌های یک‌جانبه بر اقتصاد بازرگانی ایالات متحده و بازارهای جهانی انرژی»، *فصلنامه-پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۳۳، زمستان، صص ۲۳۹-۱۹۵.
- روحانی، زهرا (۱۳۸۱). *توسعه یافتگی جهان سوم و استثمار غرب*، قم: نشر پارسایان.
- سختی‌اردکانی، روح اله (۱۳۸۹). *تحریم آمریکا علیه ایران*. تهران: آرون، چ ۱.
- شمس‌آبادی، علی (۱۳۹۶). «ایران و اتحادیه اروپا پس از توافق هسته‌ای؛ انگیزه‌ها و موانع»، *ماهنامه پژوهش ملل*، دوره دوم، شماره ۱۷، اردیبهشت، صص ۱۷-۳۲.
- ولی‌زاده، اکبر (۱۳۸۵). «تحریم منع‌گسترش در تئوری‌های روابط بین‌الملل»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۲، تابستان، صص ۲۹۸-۲۷۷.
- یانگزی، ریچارد (۱۳۹۴). *امنیت انرژی چالش جدید سیاست خارجی اروپا*، ترجمه پرویز امام‌زاده فر، تهران: مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی.
- یزدان‌فام، محمود (۱۳۸۵). «تحریم‌های بین‌المللی و امنیت جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال نهم، شماره چهارم، شماره ۳۴، زمستان، صص ۷۸۹-۸۲۱.

ب) منابع انگلیسی

- Drzner, Dniel (1999). *The Sanction Paradox, Economic Strat craft and International Relation*, Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Elling Richard J. (1985). *Embargoes and World Power: Lessons from America Foreign Policy*, Boulder, Colorado: Westview Press.
- Hazelzet Hadewych (2001). *Carrots or Stics*, Florence: European University Institute.
- Korteweg, Rem (2013). *EU and Iran*, Center for European Reform.
- Factsheet (2016). *The European Union and Iran*, Council of European Union.
- Blockmans. S (2016). *EU Iran Relations after Nuclear Deal*, CEPS.

